

بسمه تعالى شانه

قسمت دوم از نمودار كتاب الموجز

حضرت آيت الله سبحانى حفظه الله

شهریور ماه سال ۱۳۹۷

محمد رضا فضلعلی

حوزه علمیه حضرت خاتم الاوصیاء

عجل الله فرجه الشريف

تهران

نکته لازم الذکر اینکه حقیر این کتاب را به صورت حضوری محضرت استاد حمیدیه حفظه الله تعالى از اساتید فرهیخته و برجسته حوزه علمیه تهران و همچنین با کمک صوت تدریس استاد محمد عابدی حفظه الله از اساتید برتر مدرسه علمیه معصومیه قم تهیه و تدوین نموده ام. فلذا در این نمودار تقریرات دروس این بزرگواران نیز اضافه شده و باعث غنای بیشتر نمودار شده است. البته تقریرات اضافه شده برداشت بنده است از این تدریس ها لذا اگر اشتباهی وجود داشته باشد از قصور بنده در نگارش متن هست. و من الله التوفیق

الفصل الاول في  
مادة النهي و صيغته

نکات:

نهی دال بر زجر انشائی میکند همانطور که امر دال بر بعث انشائی میکند ( این مطلب عینا در مفردات راغب نیز موجود است )  
 برخی آنرا طلب ترک معنا کرده اند که عدمی است همانطور که در امر طلب فعل معنا کرده بوده اند که وجودی است هر چند ایشان قبول ندارند  
 برخی از آن معنای کف برداشت کرده اند و ایراد گرفته اند که طلب ترک امری عدمی است و چگونه مکلف میتواند امر عدمی را انجام دهد و مطلوب باشد و گروه بالا جواب دادند که خیر عدمی نیست

از ماده نهی حرمت استفاده میشود : دلیل :

(أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ٩)  
 وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّوا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكَلَهُمْ أَمْوَالُ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (١٦١)

تبادر حرمت

: آیات : (فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (١٦٦)

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ لِیَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٧)

در همه آیات تبادر به حرمت میشود

استاد عابدی: در بحث امر ایشان علت انشاء بعث را تبادر و آیات را به عنوان مؤید آورده اند ولی اینجا آیات را به عنوان دلیل آورده اند هر چند حق این بود که آیات اینجا نیز به صورت مؤید آورده شود زیرا در همه این موارد حرمت از قرائن و قیود مورد تبادر واقع میگردد؛ استاد حمیدیه مقید بودن آیات را قبول نداشتند

وجه اتحاد و افتراق امر و نهی از نظر معظم له ⑩

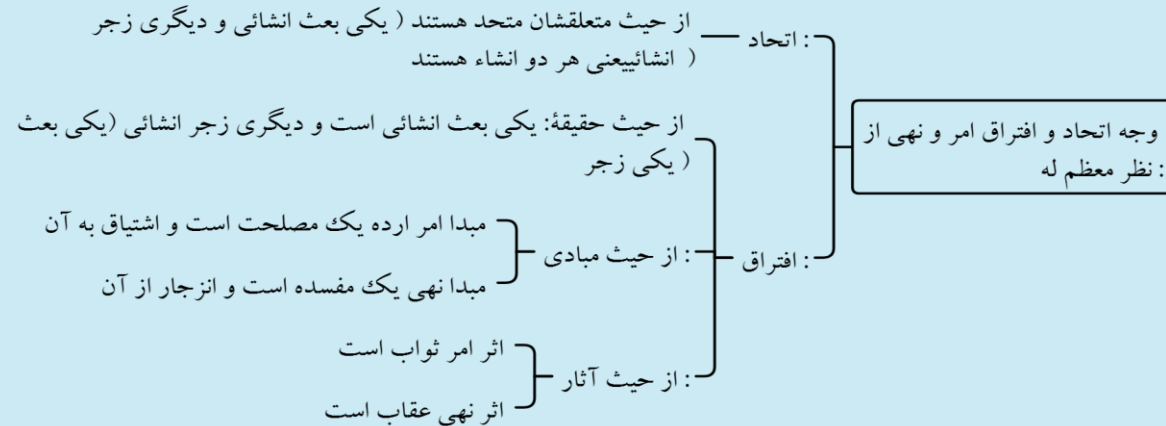
ظهور صیغه فی التحريم ③

نهی و دلالت بر مره و تکرار ③

الفصل الاول في  
مادة النهي و صيغته

نكات: ③

از ماده نهی حرمت استفاده میشود ⑨



ظهور صیغه فی التحريم

صیغه افعال وضع شده است برای بعث انشائی همانطور که صیغه لا تفعل وضع شده است برای زجر انشائی

اما همانطور که در امر و وجوب را از اراده جدی متکلم و شده اراده او دال بر وجوب میگردیم در اینجا هم از همان شدت کراهت و شدت انزجار و اراده متکلم حرمت را متوجه می شویم

از آنجا که عقل تحصیل مؤمن را واجب میدانند تا زمانی که قرینه و یا قید و امثلهما نیاید مبنی بر اینکه متکلم و مولی قصد جدی نداشته است امر لازم الطاعه و نهی لازم الاحتراز است

نهی و دلالت بر مره و تکرار

همانطور که امر دلالت نمی کند بر مرت و تکرار نهی نیز دال بر هیچ کدام نیست

اما وجه تفاوت امر با نهی این است مه در نهی زمانی که ما مورد نهی واقع می شویم ؛ باید از تمام اجزاء منهی عنه احتراز کنیم مگر آنکه قرینه ای بیاید و دال بر مره باشد که از بحث اصول خارج است مثلا وقتی مولی امر میکند برو گوشت بخر ؛ عبد یکبار میرود و میخرد و امتثال را انجام داده و امتثال دوم منوط به امر دوم است اما وقتی نهی میکند که روی زمین نخواب دیگر با یک بار احتراز نهی او حاصل نمیشود و هر بار که عبد اینکار را کند تخلف کرده است

حاکم به این مسئله در متاب عقل و در دیگر کتب ایشان عرف است

الفصل الثانی : فی جواز  
الاجتماع الامر والنهی

② ثمره

②۹ : اقوال

⑦ مراد از واحد در عنوان چیست ؟

⑨ اجتماع موردی :

: مقدمات

: انواع اجتماع

: اجتماع ماموری :

: اجتماع آمری :

اتحاد آمر و ناهی

(اتحاد مامور و منهی) مکلف

(اتحاد مامور به و منهی عنه) فعل

اتحاد زمانی

: شروط

این اتحاد داز بحث خارج است و محال است زیرا تکلیف بما لایطاق است و از حکیم سر نمیزند چنین امر و نهیی مانند این که در یک زمان بگوید : صل / و سپس امر کند : لا تصل

اتحاد آمر و ناهی

(اتحاد مامور و منهی) مکلف

(اختلاف مامور به و منهی عنه) فعل

اتحاد زمانی

: شروط

بحث اصولی بر این قسم از اجتماع است

مانند : امر به صلوة و نهی از تصرف در مال غیر (بنظرم مثال صحیحی نیست زیرا شرط نماز مباح بودن مکان است و در اینصورت اصلا نمازی محقق نشده است

...مانند : امر به تطهیر مسجد و یا امر به وضو و غسل و نهی از اسراف آب و

البته در کتاب از این مطلب بحث نشده است و در انتها حکم آن بیان شده است که مضطر از محل نزاع خارج است

در این اجتماع مامور به سبب سوء نیت خود این کار را میکند و این با فرض اضطراب متفاوت است که در بالا بیان شده است مانند همان مثال وضو میگیرد ولی اسراف میکند

الفصل الثانی : فی جواز الاجتماع الامرو والنهی

انواع اجتماع

- اجتماع آمری ⑦
- اجتماع ماموری ⑩

اجتماع موردی

- شروط :
  - اتحاد آمر و ناهی
  - اتحاد مامور و منهی (مكلف)
  - اختلاف مامور به و منهی عنه ( فعل )
  - اتحاد زمانی

تفاوتش با اجتماع ماموری

در اینجا اجتماع سوری است نه اصلی  
 در مورد بالا مامور با سو نیت خود و یا اضطرار دچار آن میشود اما در اینجا عرف این اجتماع را درک میکند والا واقعا اجتماع در یک فعل واحد نیست  
 مثلا : نماز میخواند و نگاه حرام میکند دو فعل است مانند مثال وضو نیست که در عین انجام دادن یک فعل واحد دو عنوان و دو وصف بر آن بار میشود یعنی وضو گرفتن و اسراف کردن ولی نه اینجا دو عمل است نماز خواندنو نگاه حرام کردن معاذالله

مقدمات

مراد از واحد در عنوان چیست ؟

واحد یعنی یک فعل واحدی دارد انجام میشود و به آن فعل واحد از جهتی از وصفی از عنوانی امر و از عنوان دیگر نهی میشود

یعنی اختلاف عنوانی دارد ولی اتحاد مصداقی دارند

به قید اتحاد در وجود دو امر خارج جایی که اختلاف مفهومی و اتحاد مصداقی دارند : نماز و نگاه به اجنبی میشوند : جایی که اختلاف مفهومی و اتحاد مصداقی دارند : سجده برای خدای تعالی و سجده برای غیر خدای تعالی

ایراد اول این ها هر دو در مثال برای یک ملب هستند بهتر بود در کتاب بیان میشد موضوع فلان ات و حال دو مثال

اما برخی علما مثال دوم را اینطور بیان کرده اند : که هر دو سجده اند اتحاد مفهومی دارند ولی اتحاد مصداقی ندارند و بنظرم این دید نسبت به مثال دوم صحیح تر است

اقوال ⑫

نمره ②

الفصل الثانی : فی جواز الاجتماع الامرو النهی

② ثمره

: مقدمات

: انواع اجتماع

- ⑦ اجتماع آمري
- ⑩ اجتماع ماموري
- ⑨ اجتماع موردی

⑦ مراد از واحد در عنوان چیست ؟

: دليل

بشتر از علما شيعه مانند فضل بن شاذان و كليني و سيد مرتضى و.... حضرات آيات بروجردي و خميني رحمهم الله تعالى و ايشان حفظه الله چیزی در صحت و بطلان يك عمل تأثير گذار است مدخلیتی در آن حیثیت داشته باشد مثلا پوشیدن لباس راه راه در حیثیت نماز تاثیر ندارد ، مغضوب بودن مکان در نماز تاثیر ندارد

و جوب به عنوان و حیثیت خورده است نه به خود فعل و متعلق آن همان عنوان و حیثیت است

: جواز اجتماع

. نتیجه : در مثال نماز : نماز صحیح است و غضب حرام است و قابلیت اجتماع دارد

نکته : بنظر این مثال خوبی برای این قسمت نباشد ، زیرا بنظر میرسد که غضبی نبودن مکان نماز گزار با دلیل خاص فقهی لازم می آید مثلا مرحوم امام قائل به جواز هستند اما صلافي مکان الغصوب رو جائز نمدانند و باطل میدانند هر چند که آقای سبحانی قائلند روایتی در این باب نرسیده است حال آنکه بنده روایتی را یعنی ابوابی را در وسائل دیدیم البته باید بررسی شود

: اقوال

مثال بهتر بنظرم وضو و اساراف و تطهیر مسجد و اساراف است که اجتماعشان مامورس اتس یعنی در یک فعل دو عنوان صورت میگیرد یا مثال دیگر از استاد حمیدیه حفظه الله تعالی که مداح در حال مداحی مردم آزاری هم میکند همسأه آزاری هم میکند

⑩ امتناع اجتماع

الفصل الثانی : فی جواز الاجتماع الامرو والنهی

مقدمات :

انواع اجتماع :

- ① اجتماع آمری
- ② اجتماع ماموری
- ③ اجتماع موردی

مراد از واحد در عنوان چیست ؟

④ جواز اجتماع

اختیار مرحوم محقق خراسانی

اقوال :

مقدمه ۱ : در احکام خمسہ هیچ فعلی نیست که در آن واحد دو حکم داشته باشد زیرا محال است که مولوی در یک زمان هم امر کند و در همان زمان نهی کند زیرا امر دال بر اشتیاق مولی و نهی دال بر انزجار مولی است

ردیه : این حرف صحیح بنظر نمی رسد زیرا بله مولی در یک زمان هم امر و هم نهی نمی کند بلکه آن مکلف است که با سو نیت خود بین امر و نهی مولی بنی شوق و کراهت مولی جمع میکند پس این ممکن است  
آیت الله سبحانی علی الظاهر قبول فرمودند مقدمه اول را

ردیه : وجوب همیشه به یک امر وجودی میخورد و سپس آن میشود واجب پس چگونه به یک فعلی که هوز وجود ندارد و عدم است وجوب را بار کنیم و حال اگر مکلف فعل را انجام ندهد چیزی نیست که وجوب به آن بخورد پس مولی عبد را برای چه مثلا برای نماز نخواندن مواخذه کند زیرا اصلا وجوبی نکرده است

ردیه آیت الله سبحانی : حکم کار حاکم و فعل کار مکلف است و تصور موضوع حکم بر صدور حکم مقدم است چه طور مولی میتواند حکم کند بر چیزی که هنوز ایجاد نشده است

ردیه از شخص دیگر : این کار اصلا عبث میشود در این صورت امر و نهی زیرا به طور مثال وقتی شخصی فعلی را انجام داد حال چه نیاز دارد بوییم این واجب است و این کار عبیث است

امتناع اجتماع :

دلیل :

مقدمات : در متعلق احکام فعل مکلف است نه اسم و عنوان فعل و عنوان و اسم جهت اشاره به آن فعل است

مقدمه ۳ ( داخل در کتاب نیست ) : تعدد عنوان لزوما به معنی تعدد معنون نیست مانند جوشن کبیر که هزار اسم برای الله تعالی می آورد ولی وجود او واحد است ( این مقدمه فاصل بین مرحوم آخوند و میرزای نائینی است )

میرزا مطلب را به طریق عقلی قبول ندارند ولی خوب سوال است که آیا لازم است این مقدار دقت هایی انتزاعی صورت میگرفت مر مخاطب شارع یا معصوم علیهم السلام !!! مردم عرب آن زمان نبودند که به احتمال زیاد از این دقائق عقلی نداشتند

معنون ما در هر صورت یکی است مانند صلا ة در مکان مغضوب بالاخرع یک فعل است نه چند فعل

از طرفی هر حکمی به خودش می خورد نه عنوانش

یعنی به آن نماز هم وجوب میخورد و هم نهی و این محال است پس امر و نهی امتناع دارد

نکته : ایشان در این جا اجتماع ماموری را که کار مامور بود تبدیل به اجتماع آمری کردند که کار آمر بود

جوازی : هر دو عنوان جزای خود را دارد اسراف حرام و وضو صحیحی و ماجور

امتناعی : آنکه هم اس حکم میکنی مثلا در وضو با اسراف وضو باطل است

نمره

عبادات عبارت است از آنچه که صحتش نیاز به قصد قربت دارد و در مقابل  
توصیلات قرار دارند

مقدمات:

صحت در عبادات همان تطابق مامور به و ماتی به است

تحرم مولوی تحریمی است که شارع مقدس آن را با کراهت شدید نهی کرده است؛  
حال این تحریم به نفس عبادت بخورد اجتماع امر و نهی در یک عمل واحد با عنوان  
واحد صورت گرفته که مقتضی فساد آن عبادت است زیرا اجتماع امری محال  
است

از طرفی صحت یعنی اتیان مامور به بماتی به در حالی که اینجا اصلا امری  
نیست که بخواهد صحیح باشد

تحریم مولوی:

از جهت دیگر عبادت قرار است انسان را به خدای تعالی مقرب کند و اتیان به آن  
این نتیجه را دارد و حرام به علت کراهت مولا از انجام آن انسان را از مولی دور میکند  
پس نمیشود در یک عبادت با یک عنوان واحد هم به او تبارک و تعالی نزدیک  
شد و هم از او دور شد

انواع تحریم:

این مطلب نه در الموجز اصلی و نه در المبسوط معظم له بود

زمانی که نهی وارد میشود به زبان تنبیه سامع

تحریم ارشادی

مانند قول پیامبر (صلی الله علیه و آله): دعی الصلاة ایام اقراک

دلالت واضیح بر فساد عبادت دارد

نهی که ارشاد میکند به قلت ثواب آن

نهی تنزیهی

دال بر کراهت است البته کراهت بمعنی اقل ثواب

مانند لا صلاة لجار المسجد الا فی المسجد

المقام الاول: فی العبادات

الفصل الثالث: فی اقتضاء  
النهی للفساد

المقام الثانی: فی المعاملات 18



الفصل الثالث: فی اقتضاء  
النهی للفساد

المقام الاول: فی العبادات ⑩

نکات: معاملات: هر آنچه که قصد قربت در آن شرط نباشد مانند عقود و ایقاعات  
صحۀ در معامله: آن چه که به وسیله آن اثر مطلوب بار شود مانند ایجاد ملکیت و  
ایجاد زوجیت

نهی در معامله در دو صورت مقابل  
باعث فساد آن میشود

مثال: ثمن الخمر سحت  
سحت: کل حرام یقبح ذکره (العین ج ۳ ص ۱۳۲)  
در این صورت معامله فاسد میشود زیرا وقتی قیمت خمر حرام است یعنی پولی که  
بابت خمر داده میشود حرام است یعنی معامله فاسد و باطل است  
وقتی معامله فاسد یا باطل باشد فروشنده مالک پولی که دریافت میکند  
نیست و خریدار نیز مالک شئی که خریده است نیست

زمانی که نهی به اثر معامله  
بخورد

اثر معامله یعنی آن که بعد از معامله باید صورت گیرد مثل ایجاد زوجیت  
بعد از عقد ازدواج یا مالک شدن مال توسط فروشنده

نهی در صورت مقابل باعث  
فساد نمی شود

زمانی که نهی به خود آن نوع از  
معامله بخورد

مانند: لا تنکحوا ما نکح آبائکم (با همسر پدرانتان ازدواج نکنید)

آن که نهی به صدور آن از آن  
فاعل بخود و فی نفسه آن

مانند: نکاح در حال احرام یا بیع در حال اعتکاف که حرام است ولی باطل  
نیست زیرا عبادت نیست بخواهد حرمتش دال بر بطلانش باشد و اثر بر  
عقد حرام نباشد  
آن مترتب میگردد

تفاوت این فصل سوم با دوم

در فصل دوم بحث از اجتماع امر و نهی بود و مسئله این بود آیا ممکن است یک با  
ی فعل هم امر اتیان شود و هم منهی عنه صورت گیرد؟ در اینجا مسئله این بود آیا  
اجتماع امر و نهی در عبادت یا غیر آن باعث فساد و بطلان میشود یا خیر؟

در فصل قبلی بحث بر سر اجتماع امر و نهی بود لزو ما ولی در این فصل اصلا  
بحث به ربطی به وجود امر ندارد زیرا در معاملات که بعضا امر نیست